

همیشه یک فرارنگ شهر

گزارش

الناز عباسیان
روزنامه‌نگار

نذر نور کرده! آن هم کجا؟ درست در دل بهشت خراسان، صحن و سرای آقا امام رضا(ع). نیت کرده ایام میلاد این حضرت، هر کاری که دستش باشد را زمین بگذارد و خودش را از تهران به مشهد برساند آن هم نه دست خالی که با ریسه و چراغ‌های رنگی، ماجرای نذر محمد آهنگر «شنیدنی است؛ آنجا که خودش می‌گوید: «۵۶ سال پیش، شب میلاد امام رنوف در حرم بودم. دیدم چراغانی‌ها در شأن امام نیست، چون خودم در کار برق فعال بودم، همانجا نیت کردم از سال بعد به حرم بیایم و صحن و سراهارا روشن کنم». حالا ۵۶ سال از آن قرار عاشق‌سی و نذر نور حاج‌محمد می‌گذرد و او از چند روز قبل، برای چراغانی حرم با برادران و دوستانش به مشهد رفته‌است.

قرار بود بیایی حرم چراغانی، پس چی شد؟!

حاج‌محمد ۲۱ سالش بود. سال ۱۳۲۷ شب ولادت امام‌رضاع) بود که همراه برادرش حاج‌حسین، مهمان حرم شده و سرنوشتش با این صحن و سسرا گره می‌خورد. از وضع چراغانی حرم تعجب کرده و حس می‌کند باید بهتر از اینها برای میلاد امام رونفش جشن بگیرند. فکری از سرش می‌گذرد و با خودش نذر می‌کند که اگر کار و زندگی‌اش درست شود، هر سال حرم را چراغانی کند. ماه‌ها می‌گذرد و گرد فراموشی بر ذهن پسر جوان می‌نشیند تا اینکه سال بعد، ۲۰ روز مانده به میلاد و غافل از نیت خود در عالم خواب ندایی می‌شنود که «قرار بود بیایی حرم چراغانی کنی، پس چی شد؟!» ماجرا را با برادرش حاج‌حسین در میان می‌گذارد و او مشوق و راهنمایش می‌شود. از تهران ریسه، سیم، لامپ رنگی و وسایل سیم‌کشی برای تزئین صحن و سرای حرم، بار می‌کند و راهی مشهد می‌شود. حاج‌محمد خودش می‌گوید: «سال اولی که بار زردیم برای مشهد، اوج سرما و برف در بهمن‌ماه بود. به هر شکلی بود ریسه‌ها را کشیدیم و نایب‌التولیت آستان هم خیلی از کار ما راضی بود، پس اجازه یافتیم تا در سال‌های بعد نیز به این کار ادامه دهیم. نمی‌دانم چطور شد که این قرار ما هر ساله شد و دلمان به این ضریح گره خورد. دم دوستان و خانواده گرم که در این سال‌ها همراه من بودند. هر کسی باینت قلی و نذر خودش کنار مااست. از چند روز پیش از ولادت امام‌رضاع) کلی چراغ بار و انت می‌کنیم و راهی مشهد می‌شویم.»

این امام سراسر کرامت است

مگر می‌شود به میزبانی چون امام‌هشتم و مهمان‌هایی چون زائران و مجاورانش خدمت کنی و کرامت نبینی. از حاج‌محمد آهنگر از کرامات آقا می‌پرسم و خودش می‌گوید: «خیلی از حرف‌ها گفتنی نیست اما اگر بخواهم کلی برای شما بگویم تمام این سال‌ها کرامت و مهربانی بوده و پس، خیلی‌ها از این خدمت حاجت گرفته‌اند و عاشقانه پای کار هستند. خودم هم هر چه از امام‌رضاع) خواسته‌ام به من داده است. خانه، ویلا و باغ نخواستم اما چیزی که خواستم، یعنی آبرو، به من داده است.» هر جا در زندگی به مشکلی برمی‌خورم، نام متبرک ایشان را صدا می‌زنم و گرفتاری‌ام حل می‌شود. این را حاج‌قاسم آهنگر می‌گوید و از دستگیری‌های امام تعریف می‌کند: «یکی دو سال بعد از تشریف و خدمت در حرم رضوی، پسر برادر بزرگم، حاج‌محمد را دزدیدند و همینطور طلاهای همسرش را، تا شنیدم گر به کردم، رو کردم به حرم حضرت‌رضاع) و گفتم آقا من نوکر تم، بچه را از تو می‌خواهم. بعد از ظهر همان روز خبر دادند بچه و طلاها پیدا شدند، بیا بید پاسگاه شاه عبدالعظیم و تحویل بگیر، هر چی از آقا بکم گفتم، ۴ سال پیش هم در مسیر بازگشت از مشهد ماشین ما تصادف شدیدی کرد

و از دماغ کسی خون نیامد. راهنمایی و رانندگی بادیون ماشین اسقاط شده و اینکه هیچ گزندی به ما نرسید، متعیر شده بود. از ما پرسیدند شما چه کاره‌اید؟! گفتیم ما نوکر امام‌رضاییم و از چراغانی حرم برمی‌گردیم.» اینچنین است ماجرای نیتی از سویدی و وجود عاشقان و شیفتگان اهل‌بیت(ع) و نگاهی از سوی امام‌رنوف.

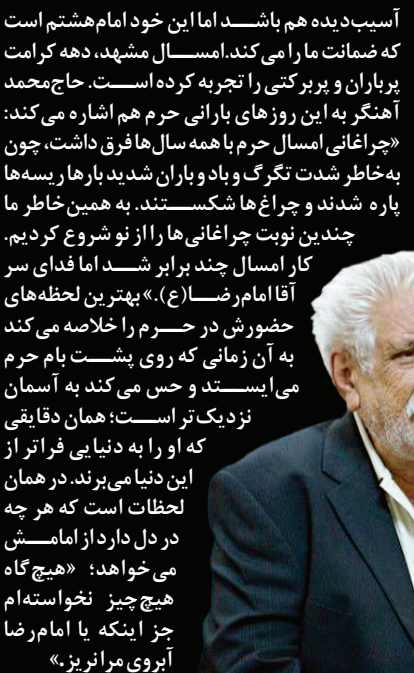
فدای سر آقا

هر ساله نزدیک به ۲۰ هزار لامپ به مشهد می‌آورد و چراغانی را از مسجد گوهرشاد شروع می‌کند. در عرض چند روز همه جای حرم چراغانی می‌شود. از سختی‌های کار که سؤال می‌کنیم حاج‌محمد می‌گوید: «این همه سیم برق شوخی نیست، این برق و تشکیلات با جان آدم سر و کار دارد. من منتقدم خودم ارباب امام‌رضاع) (ما را ننگه می‌دارد و گر نه در این کار احتمال آسیب دیدن زیاد است. ممکن است بین این همه سیم، سیم‌های

پای صحبت‌های مردی که ۵۶ سال است روز میلاد امام‌رضاع) همه صحن و سراهای حرم را چراغانی می‌کند

بانیان این کار نیک و نورانی

حالا سال‌هاست در دهه کرامت، کنبد طلایی که غرق در نور است با کمک بانیانی چون حاج‌محمد تزئین می‌شود. خودش می‌گوید: «سال اول ۴ نفری کار را انجام دادیم، به‌تدریج بر تعداد اعضای مشتاق برای مشارکت در این کار معنوی اضافه شد تا حالا که با ۱۵ نفر در خدمت آقا هستیم. برادرانم حاج‌قاسم، حاج‌حسین و حاج‌مهدی آهنگر، حاج‌مصطفی میرطاهری، حاج‌عیسی معینی و حاج‌علی صفری راهم نباید از قلم انداخت. هر کدام در تهران برای خودشان برویایی دارند و در صنف الکتریکی مشغول به کارند اما اینجا خادم محض امام رضا(ع) هستند. روی زمین می‌خوابند، خسته می‌شوند، اما چه می‌شود کر، عشق است؛ عشق به امام‌رضاع) همین است دیگر. البته ناگفته نماند هر ساله افراد دیگری هم از روی ایمان و ارادت به این حضرت، در حد بضاعت خود در این کار نورانی سهیم می‌شوند. این عزیزان هر سال زحمت می‌کنند و پا به پای من کار می‌کنند به عشق امام‌هشتم.»



معاون و پس از آن آقای داروگر عهده‌دار این مسئولیت شدند. محمدعلی عنبرانی سومین نسل از خادمانی بود که برای کوک بودن ساعت‌های حرم، نزدیک به ۱۳ دهه شبانه‌روز چشم به عقربه‌ها دوخته‌بود.

صدای گوش‌نواز ساعت حرم

پس از بازنشستگی محمدعلی عنبرانی، مسئولیت بخش تعمیر و نگهداری ساعت حرم مطهر رضوی به علی‌اصغر وحیدی واگذار شد و اکنون او به‌عنوان آخرین ساعت‌ساز حرم شناخته می‌شود. وحیدی در رابطه با ساعت‌های حرم توضیح می‌دهد: «در حال حاضر حدود ۸۰ ساعت دیجیتال برقی در رواق‌ها وجود دارد، البته در بعضی مکان‌ها به‌دلیل عدم امکان برق‌رسانی،

در سندی مربوط به سال ۱۰۹۳ هجری قمری امیرسعدالدین محمد، وزیر خراسان و واقف مزرعه گود سسلوک، یکی از مصارف این موقوفه را اجرت ساعت‌ساز آستان قدس قرار داده بود.

ساعت‌سازهای حرم

مانند تمام بخش‌های حرم، ساعت‌های بارگاه رضوی نیز سازوکار خاصی برای مراقبت دارند تا مبادا عقربه‌ها یشان از چرخش بازمانند و کوک نباشند. مراقبت از ساعت‌های حرم، مسئولیتی است که نسل به نسل بر عهده متخصصان ساعت‌ساز گذاشته می‌شود؛ تا به امروز ۴۴ فرد به‌عنوان ساعت‌ساز در حرم رضوی فعالیت کرده‌اند. نفر اول فردی به نام آقای

پس‌زمینه تمام خاطرات زائران حرم رضوی با صدای ساعت‌هایی همراه است که شنیدن ضرب‌آهنگ شان در هر موقعیت و جغرافیایی، دل عشاق را به آرامش حرم گره می‌زند. ساعت‌های بزرگی که به واسطه منزل گرفتن در حرم امام رضا(ع) از قامت یک شی‌معمولی فراتر رفته و به نشانه‌ای برای یادآوری مبعادگاه زائران با حضرت شمس‌الشموس تبدیل شده‌اند. نه تنها این ساعت‌ها بلکه خادمانی که در گذر سال‌ها، زندگی‌شان در مسیر حفظ این ساعت‌ها گره خورده است، روایت‌های کمتر شنیده‌شده‌ای دارند.

صنعت ساعت در ایران طی دوره صفوی رواج یافته و حرم امام رضا(ع) نیز از این دوره دارای ساعت و ساعت‌ساز شده است.

به وقت عاشقی



این گل از طرف امام رضا است

روایت گل‌های اطراف ضریح که طی مراسمی به زائران حرم تقدیم می‌شود

می‌گویند امام رضا(ع) غریب است، دور افتاده از وطن و اجداد مطهرش در مدینه، کر بلا، نجف، سامرا و کاظمین؛ اصلا در زیارتش داریم «السلام علیک یا غریب‌الغربا» اما ایرانی‌ها نشان دادند که امام رضا(ع) «غریب» است. برای ما از پدر و مادر، از خواهر و برادر، از دوست و آشنا هم نزدیک‌تر و قریب‌تر است. تمام تلاشمان را در همه سده‌های گذشته تا به امروز کرده‌ایم که شأن و منزلت این امام بزرگ در خاک ایران حفظ شود و بهترین‌ها را برای صحن و سرایش تدارک دیده‌ایم. نمونه‌هایش زیاد است؛ از ایجاد صحن و سراهای مختلف تا تقدیم فرش و ساعت نفیس تا ضریح و گنبد طلاکاری شده و... اما یکی از بخش‌هایی که هر روز طی یک مناسک باشکوه اجرا می‌شود، گل آرایشی حرم به‌ویژه ضریح مطهر است.

این کار

به‌صورت خودجوش و داوطلبانه توسط جمعی از فعالان عرصه گل و گیاه‌کشور انجام می‌شود و این زائران با هزینه شخصی، با کیفیت‌ترین گل‌های موجود در بازار را روانه مشهد کرده و عاشقانه به تزئین ضریح امام مهربان می‌پردازند.



گل‌های قدیمی پس

از گل آرایشی جدید جمع و پابین آورده می‌شوند و در صندوقچه‌ای به سمت بخش «ششیم رضوان» رهسپار می‌شوند. بعد از آن خادمان شروع به جدا کردن انواع گل‌های رز، آنتوریوم، پرند پهبشتی و... از یکدیگر می‌کنند و در سبدهای جداگانه قرار می‌دهند.



بوجاری کردن

یعنی جدا کردن ساقه‌ها و گلبرگ‌ها از هم تا برای مرحله خشک کردن آماده شوند. قبل از این مرحله، گل‌ها بر اساس ضخامت گلبرگ‌ها جدا می‌شوند تا در درجات مختلف دستگاه خشک‌کن قرار بگیرند. بعد از خشک شدن گلبرگ‌ها، فرایند آماده‌سازی بسته‌های گل برای توزیع بین زائران آغاز می‌شود.



مرحله

آخر بسته‌بندی گل‌هاست که با دستگاه خاصی انجام می‌شود و خادمانی دیگر بسته‌های آماده‌شده را داخل کارتن‌های مخصوص قرار می‌دهد تا آماده توزیع بیسن مهمانان حضرت رضا(ع) باشد.



خادمان

ششیم رضوان هر روز صبح با لباس سبز در رواق غدیر حاضر می‌شوند و پس از برگزاری نماز و مرتبه خوانی، گل‌های بسته‌بندی شده را به زائران تقدیم می‌کنند. لحظه‌های بسته گل، وقتی اشک شوق از چشمان مهمانان علی‌ابن‌موسی‌الرضا(ع) سرازیر می‌شود، لحظه بسیار خاصی است.